

# کار کردن با کشورها

امروزه خود کشورها، و نه بانک جهانی، برنامه های خود را، با کمک فنی کارکنان بانک جهانی، کنترل میکنند.

## وامها و اعطائیه ها گنجایش و طرز حکومت

معیارهای اصلی گزینش بانک جهانی در بین کشورها فقر و عملکرد میباشد، به این معنی که وامدهی بانک روی کشورهایی تمرکز مییابد که محیط کلی سیاست آنها برای تاثیر کمک مساعد بوده و حضور بانک در آنها اثر مثبتی خواهد داشت.

دستیابی به هدفهای توسعه هزاره—با استفاده موثر از هر گونه کمک—مشروط بر داشتن نیروی کافی و جامع بودن استراتژی توسعه هر کشور، و درجه تعهد آن نسبت به توسعه میباشد. مالکیت توسط خود کشور یکی از اصول اساسی چارچوب توسعه جامع (CDF) بانک جهانی بوده، و پایه آن بر اساس روابط بین بانک و ارباب رجوع استوار است. هر استراتژی باید بر اساس سیاستها، نهادها و نظام حکومتی مناسب باشد، که توسط کمکهای فراوان به توسعه و همکاری بین المللی بهبود یافته حمایت میشوند.

استراتژیهای کمک به کشورها (CAS) همکاری بین بانک و هر کشور و امگیر را تشریح میکند. CAS، که معمولاً در بر گیرنده یک دوره سه ساله است، مقدار و نوع کمکی که قرار است تامین شود را بر اساس نیازها و عملکرد مجموعه تعیین میکند.

## برنامه های وامدهی

در کشورهای کم درآمد، که واجد شرایط دریافت کمک بلاعوض و اعتبار بدون بهره از جامعه توسعه بین المللی (IDA) میباشدند باید پیش از تدارک هر گونه برنامه از جانب کمک بانک جهانی، اصول CDF را در استراتژی کاهش دادن فقر (PRSP) تدوین نمایند. از سال ۱۹۹۹ تا بحال، PRSPs—که باید کاهش دادن فقر را در مرکز هر گونه طرح توسعه قرار داده، و عواملی مانند بخش خصوصی و جامعه مدنی رادر حد لزوم جلب کند—برای تخصیص اعتبار وجه و کمکهای دیگر، و در صورت کاربری لازم و کاهش بدهی لازم بوده اند. چونکه در اکثر کشورها یا سرمایه متوسط (۷۷۰k)، بصورت pdf، کاهش دادن فقر هنوز موضوعی جدی است، بانک می تواند نقشی را از طریق وامهای IBRD ایفا نماید. این امر اغلب به معنی فعالیت به سوی ایجاد نوعی محیط سرمایه گذاری است که بیشتر احتمال جلب سرمایه خصوصی، و کمک به ایجاد برنامه های مخارج اجتماعی کارآمد و منصفانه ای که با ایجاد سرمایه انسانی و فرصت دسترسی یکسان به فرصت اقتصادی هماهنگ دارند را داشته باشد.

**نسبت قابل توجهی از مردم فقیر دنیا در کشورهایی با درآمد متوسط زندگی میکنند، که این کشورها بطور کلی به بازارهای بین المللی سرمایه دسترسی دارند، هر چند که این دسترسی محدود و اغلب متغیر است.**

## کمک غیر وامی

وامگیران برای پروژه هایی که به اهداف توسعه آنان کمک می کند، وام و کمک غیروامی دریافت میکنند. کار اقتصادی و بخشی بطوری طرح میشود که درک کاملی از مشکلات توسعه و امگیران، نیاز و دسترسی به تامین وجه خارجی، و چارچوب تحلیلی برای ارزیابی استراتژیهای توسعه و فعالیتهای کمکی اهداگر حاصل شود. یک هدف مهم کار اقتصادی و بخشی، شناسایی قبلی پروژه های پرمفعتی میباشد که مردم فقیر خود ذینفع مستقیم آنها میشوند.

**کار اقتصادی و بخشی بانک، بنیانی تحلیلی را برای مشورت بانک یا سیاستها و مخارج همگانی در جهت پرورش پروژه ها و سایر عملیات را تامین میکند.**

**کمکهای بلا عوض جزء لاینفک از امور توسعه ای بانک میباشد.** علاوه بر کمکهایی که از طریق IDA تامین میشوند، بانک جهانی تقریباً دوازده برنامه کمکهای بلا عوض را اداره میکند، به اضافه تقریباً ۸۵۰ صندوق امانی اهداگران، که سالانه بیش از یک میلیارد دلار میپردازند. بعد از یک حادثه طبیعی یا هر واقعه ای که اثر قابل توجهی روی اقتصاد داشته و نیاز به پاسخ سریع دارد، کمک اضطراری در دسترس میباشد. این کمک میتواند به چند نوع مختلف باشد. برای مثال، بانک جهانی میتواند یک برنامه احیاء ایجاد کرده و شرایط یک مجموعه وام موجود را بطوری تغییر دهد که به پیشبرد احیاء کمک کند. در ضمن، بانک و امهای اضطراری که بطور سریع پرداخت میشوند را صادر میکند. برای مثال، بانک جهانی اخیراً ۱۶۰ میلیون دلار برای احیاء از خشکسالی در اتیوپی، مالاوی، و زامبیا تامین کرد. پس از زلزله در گوجارات در ژانویه ۲۰۰۱، بانک جهانی تقریباً ۶۰۰ میلیون دلار برای کمک به باز سازی تامین کرد.

بانک جهانی در ضمن پروژه هائی برای مدیریت طر ح می کند—مانند اجرای اقدامات جلوگیری از سیل، و اقدامات جلوگیری از آتش سوزی جنگلها. از سال ۱۹۸۰ تا بحال، بانک جهانی بیش از ۵۰۰ عملیات مربوط به مصیبتها را تصویب کرده است، که بالغ بر بیش از ۳۸ میلیارد دلار میشود.

**جلوگیری از جنگ و بازسازی پس از جنگ برای کاهش دادن فقر جنبه حیاتی دارند.** نقش بانک جهانی در این حوزه، بسیار گسترده تر از بازسازی پس از جنگ شده است. وظیفه بانک جهانی در حال حاضر شامل فعالیت برای احیاء اقتصادی، ایجاد ظرفیت، توسعه جامعه محلی، مین زدائی، مرخص کردن و ادغام دوباره سربازان سابق، و ادغام دوباره آوارگان است.

■ **صرفاً در طی سالهای ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۲، ۵۶ جنگ مسلحانه عمده در ۲۴ نقطه مختلف در جهان رخ داد، که باعث تشدید فقر و مختل شدن روند به سوی توسعه گردید.**

ابتکارهای اخیر در پاسخ به جنگ شامل موارد زیر است:

- پشتیبانی از باز سازی مدیریت دولتی، بهبود آموزش و پرورش، و بازسازی ساختاری در افغانستان (۳۶۸ میلیون دلار)؛
- یک برنامه چندبخشی و بازسازی در جمهوری دموکراتیک کنگو برای کمک به کشور در بهبود روند تولید کشاورزی و امنیت غذایی، احیاء شالوده حیاتی و خدمات اجتماعی اساسی، و تقویت ظرفیت دولت در تنظیم و پیاده کردن برنامه های توسعه اش؛
- پشتیبانی از مرخص کردن و ادغام دوباره سربازان سابق در کشورهایمانند کامبوج، چاد، جیبوتی، حبشه، سیرا لئون، و در ناحیه دریایچه های بزرگ؛ و دوباره ادغام کردن جمعیت های بی خانمان در آذربایجان، لیبیا، روانده، و سیرا لئون.
- حمایت از برنامه های عملیات ضد مین در آذربایجان، بوسنی، کرواسی، و اتیوپی، بر طبق رهنمودهای بانک جهانی برای تامین وجه برای زدودن مینهای زمینی.

علاوه بر وامهای بلاعوض IDA، وامهای چند اهداگری که بانک اداره میکند، و سایر مکانیزمهای مخصوص پشتیبانی، صندوق بعد از جنگ (PCF) پول برای این وامها تامین میکند—۵۳ میلیون دلار برای وامهای بلاعوض از سال ۱۹۹۷ تا بحال در ۴۸ کشور، که شامل موارد زیر می باشد:

- استراتژی بازسازی با شرکت افغانها و سایر افراد ذینفع، یک برنامه توانمند کردن محلی، و برنامه پشتیبانی بخشهای دارای اولویت در افغانستان.
- بازسازی بخش بهداشت در سومالی، که توسط فدراسیون بین المللی صلیب سرخ انجام گردید.
- پشتیبانی مجدد برای برنامه بهداشت روانی تراونیک در بوسنی که به میراثهای روانی-اجتماعی جنگ مربوط می شود.
- باز سازی شبکه های مخابرات روستائی در جمهوری دموکراتیک کنگو.

**تاکید بر برنامه های تحت کنترل کشورها منجر به تأکیدی موازیمنجر به ایجاد ظرفیت توسعه در داخل کشورها شده است.** طرز فکر دگرگون شونده در مورد توسعه که جامع تر باشد، تحت کنترل خود کشورها باشد، مسئولانه و قابل اندازه گیری باشد، نیاز به ظرفیتی دارد که اغلب در گذشته وجود نداشت. مقادیر روز افزون بیشتری از منابع بانک جهانی صرف پرورش توانائی در داخل کشورها به اداره کردن امور توسعه خودشان میشود. این یک نوع «سهیم شدن در دانش» است، و منجر به ایجاد راههای جدید فعالیت شده است—فعالیت های شراکتی که در آن مقامات دولتی، سازمانهای غیردولتی و نمایندگان بخش خصوصی، و همکاران دولت اهداگر، بخشهایی از یک گروه میشوند که دانش و اطلاعات را با یکدیگر سهیم میشوند، و بنابراین قادر به ایجاد برنامه ای میشوند که از مالکیت واقعی و تعهد دولتی برخوردار میباشد.

بانک جهانی بطور روز افزون این برنامه ها را با طیفی از برنامه هائی بر اساس تکنولوژی جدید تکمیل میکند. برای مثال، شبکه یادگیری توسعه جهانی بانک را قادر ساخت که در سال ۲۰۰۱ با ۴۵,۰۰۰ شرکت کننده دولتی و بخش خصوصی تماس برقرار نماید. دروازه توسعه نیز دروازه بی همتائی برای دسترسی به اطلاعات تامین میکند که حاوی جزئیاتی در مورد تقریباً ۳۰۰,۰۰۰ فعالیت تحت پشتیبانی اهداگران که در سراسر دنیا انجام میگیرند، می باشد. موسسه بانک جهانی تعدادی برنامه موضوعی، به منظور بهبود دادن به گنجایش، تهیه کرده است. بانک جهانی در ضمن از شبکه توسعه بین المللی پشتیبانی کرده است، که موسسات تحقیقاتی در کشور های توسعه یافته و در حال توسعه را با یکدیگر پیوند داده و اطمینان حاصل میکند که فاصله های موجود در برنامه کاهش دادن فقر کمتر شوند. دانشگاه اینترنیتی آفریقا با دانشگاههای آفریقائی کار کرده و به آنها کمک میکند تا استانداردهای خود را بالا برده و درصد منابع انسانی تعلیم دیده قاره را افزایش دهند. در حوزه تکنولوژی، InfoDev از فعالیتهای کوچک آزمایشی که برای کمک به بسنن رخنه کامپیوتری طرح شده اند حمایت میکند. بیوندهای دنیا برای توسعه تماس دانش آموزان و آموزگاران در دبیرستانهای کشورهای در حال توسعه را با همتایانشان در کشورهای صنعتی در برقرار کرده و به دانش آموزان و آموزگاران کمک میکند تا تکنولوژی را در برنامه آموزشی شان ادغام کنند.

## جلوگیری از فساد

**طرز حکومت.** برای اینکه تامین وجه خارجی بطور موثر برای کاهش دادن فقر بکار رود، باید بطور صادقانه و شفاف اداره شود. بانک جهانی، از سال ۱۹۹۶ تا بحال، بیش از ۶۰۰ برنامه مبارزه با فساد و روش نوین طرز حکومت در بیش از ۱۰۰ کشور متقاضی آغاز کرده است. طرز کار بانک در نوشتار آن در مورد استراتژی طرز حکومت و بخش دولتی، اصلاح نهادهای دولتی و تقویت طرز حکومت: یک استراتژی بانک جهانی تعریف شده است.

■ **در حال حاضر تقریباً یک چهارم از پروژه های جدید شامل اجزاء اصلاحات مخارج دولتی و اصلاحات مالی میباشند.**

در حالیکه در سال ۱۹۸۰ تنها ۰/۶ درصد از وامدهی بانک به پروژه های تعلق مییافت که از اصلاحات اساسی در بخش دولتی حمایت میکردند، تا سال مالی ۲۰۰۰ سهم فوق به ۱۶ درصد افزایش یافته بود. نسبت پروژه های جدیدی که از اجزاء اصلاحات مخارج دولتی و اصلاحات مالی برخوردار بودند، از ۹ درصد در سال مالی ۱۹۹۷ به ۲۳ درصد در سال مالی ۲۰۰۳ افزایش پیدا کرد. در این حین، سهم وامهای تنظیمی که اجزاء مبارزه با فساد یا شفافیت مالی داشتند، از ۸ درصد در سال مالی ۱۹۹۸ به یک میزان تخمینی ۵۰ درصد در سال مالی ۲۰۰۰ رسید. مثالهای اخیر پروژه های مبارزه با فساد شامل اقلام زیر است

- پشتیبانی از اصلاحات مالیاتی در کلمبیا و ونزوئلا
- اصلاحات قضائی در جمهوری اسلواک
- اصلاحات تنظیماتی در روسیه و اوکراین
- اصلاحات اداری و خدمات کشوری در تانزانیا و یمن
- اصلاحات گسترده طرز حکومت در کامبوج
- اصلاحات مخارج دولتی و مدیریت مالی در بورکینا فاسو، گانا، و مالای

بعلاوه، بانک جهانی تحلیلهایی ویژه کشورها مشتمل بر بررسی های فساد، بررسی های ردگیری مخارج، و بررسی های مقامات دولت در آلبانی، آرژانتین، کامبوج، گرجستان، لاتویا، رومانی، جمهوری اسلواکی، اکوادور، و اوگاندا را انجام داده است.

**جلوگیری از فساد در پروژه های که بانک جهانی برایشان تامین وجه نموده است.** تحت استراتژی مبارزه با فساد ۱۹۹۷، بانک جهانی پیشرفته ترین رویه کنترلهای داخلی را اتخاذ نمود، که در حال حاضر بطور گسترده توسط موسسات مالی بکار میرود. در حال حاضر، بانک جهانی خطرات عمده را بطور سیستماتیک ارزیابی کرده، و نیز کنترلهای داخلی و پیروی را بررسی میکند. به منظور آسان نمودن گزارش کردن بدون ذکر نام موارد فساد، بانک جهانی یک خط تلفن بین المللی را برقرار کرده است ۱-۸۰۰-۸۳۱-۰۴۶۳

تا ماه سپتامبر سال ۲۰۰۱، تحقیقات بانک منجر به ممنوع شدن دائمی ۷۲ شرکت و شخص از شرکت کردن در قراردادهایی که بانک جهانی برایشان تامین وجه نموده است شد. بانک جهانی نخستین بانک توسعه چندجانبه ای میباشد که نامهای شرکتهای و افرادی که به ارتکاب نوعی کلاهبرداری یا فساد محکوم شده اند را روی وب سایت خود منتشر میکند.